یادداشت

چهارشنبه‌سوزی

مریم حاجی‌علی

نویسنده

من در محله سی‌متری جی، جوانی رامی‌شناسم دلاور، به نام هادی. که عکسش را در انتهای یک کوچه بن‌بست گذاشته‌اند در یک قاب خوشگل و چسبانده‌اند به دیوار خانه پدری‌اش. جوانی که از لباس فرمش معلوم است که در نیروی انتظامی خدمت می‌کرد.

ما اینجا در تهران دریا نداریم، ولی من در این محله یک مروارید پیدا کرده‌ام که از قضا مادر شهید هادی جوان‌دلاور است؛ «مروارید ریواز» باور کنید کرور کرور جواهر پیش پای نام و مرام این زن، خاکستر است. روزهای پایان سال و شلوغی‌های چهارشنبه‌سوری که همه برای جشن سال نو آماده می‌شوند، این مادر غمی بزرگ را به دوش می‌کشد. می‌گوید هادی پنجمین فرزند خانه‌اش بوده و مثل همه ته‌تغاری‌ها انیس و مونس مادر. جوان خوش قدوبالایی که اهل محل او را شهید هادی صدا می‌زنند و صحه می‌گذارند به مرام شهدایی‌اش با بیان خاطرات کوتاهی که تیتر همه آنها، مقید بودن شهید به رعایت حق‌الناس است و آنها را یاد «شهید ابراهیم هادی» می‌اندازد. آقا هادی همان سربازی است که حین گشت‌زنی در شب چهارشنبه‌سوری، یک نارنجک دستی از بالای یک ساختمان، عدل می‌افتد روی کلاه‌کاسکتش و پس از دو ماه کما، در تاریخ بیست و چهارم اردیبهشت ۹۳ به شهادت می‌رسد.

هادی همان پسر بامعرفتی است که پسربچه‌ای دارای معلولیت از اهالی محله را هر روز می‌گذاشته ترک موتورش و او را می‌برده دوردور و می‌گویند بعد از این حادثه، پسرک از دوری آقا هادی تب می‌کند.

دو ماه این مادر در خوف و رجا ضجه می‌زند، التماس خدا را می‌کند. نذر و نیاز می‌کند و خدا را به کی به کی قسم می‌دهد که پسر تازه‌دامادش را برایش نگه دارد. اما قسمت نیست. آقاهادی از دنیا می‌رود و حالا خانواده جوانکی که به عمد او را نشانه رفته بوده، می‌آیند به التماس و جلب رضایت و قسم دادن اولیای دم. همه راضی می‌شوند، الا مروارید خانم؛ الا و بلا که قصاص ...



پنج سال تمام این زن سینه‌سپر می‌کند که خودم با دست‌های خودم قاتل پسرم را قصاص می‌کنم. تا این‌که یک روز پس از حکم دادگاه تجدیدنظر، با خودش خلوت می‌کند و بعد از کلی اشک و بغض و مرور خاطرات با خودش می‌گوید: «خدایا! من کی باشم که بخواهم جان بنده تو را بگیرم!؟ کسی که تو به او جان داده‌ای! خدایا من را ببخش و قاتل را می‌بخشد... به همین سادگی.»

القصه خواستم بگویم چهارشنبه‌سوری را چهارشنبه‌سوزی نکنیم و میان این سر و صداها، دل دریایی مروارید خانم محله ما را یاد کنید.

بهشت زهرا ۲۴ ساعته شد

سعید غضنفری، مدیرعامل سازمان بهشت زهرا(س) از ۲۴ ساعته شدن ورود مراجعه‌کنندگان به این آرامستان در روزهای پنجشنبه و جمعه آخر سال خبر داد.

وی با اشاره به ممنوعیت برگزاری هرگونه مراسم یادبود ختم، هفتم و چهلم و سالگرد در این روزها به مراجعه‌کنندگان تصریح کرد: «باتوجه به شرایط کرونا و همچنین تسهیل درخدمت‌رسانی به مراجعه‌کنندگان در روزهای پنجشنبه و جمعه آخر سال« هیچ خدمتی برای برگزاری این مراسم ارائه نمی‌شود و فقط خاکسپاری متوفیان به صورت معمول انجام می‌پذیرد». / جام جم دیلی

فاویپیراویر و مولیپیراویر خط خورد



حمیدرضا جماعتی، دبیر کمیته علمی کشوری کرونا گفت: «استفاده از داروی فاویپیراویر هیچ جایگاهی در پروتکل درمانی کووید۱۹ در کشور ندارد، زیرا هیچ شواهدی مبنی برتاثیر این دارو در درمان کرونا وجود ندارد.» وی افزود: «همچنین استفاده از داروی مولیپیراویر که سازمان جهانی بهداشت استفاده از آن را به صورت مشروط مطرح کرده، در جلسه اخیر ستاد بررسی شد که به اتفاق آرا، استفاده از این دارو نیز برای بیماران مبتلا به کرونا تصویب نشد.» / ایسنا

مبتلایان تالاسمی، جوان‌تر می‌میرند

یونس عرب، دبیر انجمن تالاسمی ایران گفت: «آمار فوتی بیماران تالاسمی در سه سال اخیر به بالای ۵۵۰ نفر رسیده و حدود ۷۰۰۰ بیمار نیز آسیب جدی دیده‌اند، چراکه وقتی دارو به بیماران نمی‌رسد، آهن در قلب و کبد آنها رسوب می‌کند.» وی ادامه داد: «میانگین سنی مرگ و میر بیماران تالاسمی پایین آمده و از بالای ۳۰ سال به زیر ۲۵ سال رسیده است. در برخی از نقاط کشور هم به‌خصوص در مناطق جنوبی، سن مرگ و میر به زیر ۱۵ سال رسیده است.» / ایلنا

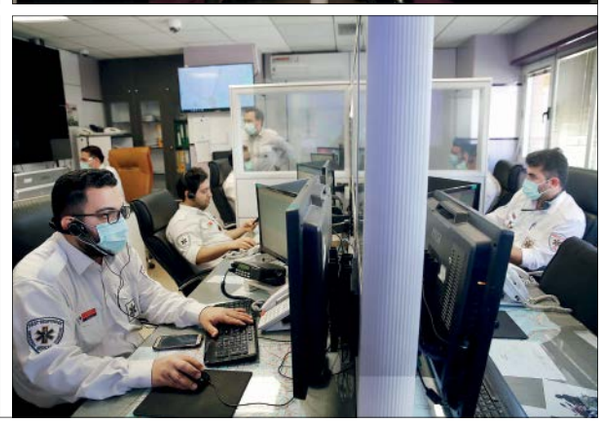












کارشناسان اورژانس برای ارائه خدمات به بیماران و خانواده‌های آنها مراحل اعزام ماموران اورژانس را با سرعت انجام می‌دهند

عکس‌ها: نسترن دادجو

کار در وضعیت همیشه قرمز

خبرنگار جام جم در روزهای پایانی سال و در آستانه آخرین چهارشنبه سال با اورژانس تهران همراه شده است



لیلا شوقی

جامعه

هنوز به آخرین چهارشنبه سال نرسیده‌ایم اما خبرهایی که از چهارشنبه‌سوری می‌رسد تکان‌دهنده است. مجتبی خالدی، سخنگوی اورژانس کشور دیروز گفت آمار مصدومان و بستری‌های امسال نسبت به سال گذشته افزایش پیدا کرده است. دیروز آمار مصدومان و فوتی‌ها به ۲۸۳ نفر رسید. هشت نفر در محل درمان و ۲۸ نفر در بیمارستان بستری شدند. از ۲۷۵ فردی که امسال دچار مصدومیت شدند ۳۵ نفر دچار قطع عضو، ۸۱ نفر دچار آسیب چشمی و ۱۳۲ نفر هم دچار سوختگی شدند. هنوز چهارشنبه‌سوری نیامده هشت نفر هم جان خود را به دلیل سوانح مربوط به آخرین چهارشنبه سال از دست داده‌اند. در روزهایی که کشور در پیک ششم کرونا به‌سر می‌برد و فشار کاری کادر درمان و کارمندان اورژانس به دلیل خانه‌تکانی و شیوع ویروس کرونا در کشور زیاد است، حوادث چهارشنبه‌سوری هم مشکلات را برای آنها دوچندان کرده است. کارشناس پرستاران بخش پاسخگویی از روزهای پرترافیک و پرمشاوره‌شان می‌گویند. از این‌که روزهای منتهی به پایان سال تعداد تماس‌ها بی‌شمار می‌شود و حجم زیادی از تماس‌ها به سوختگی‌های چهارشنبه‌سوری و بیماری کرونا اختصاص دارد. برای این‌که از سختی‌های کار ماموران اورژانس بیشتر بدانیم یک روز با آنها همراه شدیم و پای صحبت کارشناسان قسمت پاسخگویی، مشاوره، بخش راهبری و ماموران آمبولانس نشستیم تا گوشه‌ای از روزهای سخت اورژانس را به تصویر بکشیم. روزانه حدود ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تماس با سامانه ۱۱۵ تهران گرفته می‌شود که ۲۷۰۰ تا ۳۱۰۰ مورد آن به ماموریت اورژانس منجر می‌شود. در روزهای اوج پیک کرونا و در روز چهارشنبه‌سوری به‌طور میانگین حدود ۹۰۰۰ تماس با اورژانس گرفته می‌شود.

داستان را باید از اول تعریف کرد. از بخش دیسپچ اورژانس. از محلی که تماس‌های شهروندان با کارشناسان اورژانس برقرار می‌شود. ابتدا در این سالن بزرگ بخش‌بندی است که دیده می‌شود. در هرکدام از بخش‌ها یک اپراتور خانم نشسته است. زنگ پشت زنگ، یک ثانیه هم تلفن استراحت ندارد. تماس قطع نشده، تماس دیگری برقرار می‌شود. صدای «الو اورژانس بفرمایید ...» ابتدای شروع مکالمه‌هاست. صدایی که یک‌بند و بدون وقفه از همه گوشه‌های سالن بخش شنیده می‌شود. این بخش دیسپچ (بخش پیام‌رسان) سازمان اورژانس کشور است. هرفردی که با شماره ۱۱۵ تماس می‌گیرد صدای اپراتورهای این بخش که همه پرستارند، اول از همه به گوش‌شان می‌خورد. تند و دقیق با تلفن صحبت می‌کنند. می‌پرسند: «ضعف، بی‌حالی و سرگیجه دارند؟ ... شما علائم بیمار را چک کردید؟ ... بیماری زمینه‌ای دارد؟ ... دارو مصرف می‌کند؟» و سریع مشخصات وارد سیستم می‌شوند. شرایط که بحرانی باشد، جان فرد در خطر باشد، جراحات تصادف وخیم باشد یا خطر از دست دادن عضوی وجود داشته باشد آدرس محلی که مصدوم در آنجاست، گرفته می‌شود تا آمبولانس به محل اعزام شود. پرستاری می‌گوید که این روزها یک لحظه هم استراحت ندارند. تلفن قطع نشده باید به تماس دیگری جواب دهند. روزهای منتهی به سال که با شیوع ویروس کرونا و البته چهارشنبه‌سوری هم همراه است آمار تماس‌ها با اورژانس بیشتر هم شده است. کار زیاد اما برای پرستاران سخت نیست. بی‌احترامی از طرف افرادی که با آنها تماس می‌گیرند بیشتر باعث ناراحتی‌شان می‌شود. یکی از آنها به ما می‌گوید: «من نیروی متخصص هستم. پرستارم و برای نشستن در اینجا درس خوانده‌ام اما برخی از افرادی که با ما تماس می‌گیرند مزاحمند و بی‌احترامی می‌کنند.» با وجود این اما او خاطره‌های خوش هم زیاد دارد. او تعریف می‌کند مادری تماس گرفت و از فرزندی که روی زمین افتاده و نفسش به شماره افتاده بود گفت. با کمک این کارشناس پرستاری اما ورق برگشت. او از پشت تلفن به مادر کمک کرد فرزندش را احیا کند. تا تکنیسین‌های اورژانس بر بالین کودک برسند، کودک از مرگ نجات پیدا کرده بود.»

برای پرستار دیگر مشاوره‌های دارویی بزرگ‌ترین مشکل است. او می‌گوید بسیاری از افراد با او و همکارانش تماس می‌گیرند و از آنها درباره اطلاعات دارویی می‌پرسند. درحالی‌که آنها نمی‌توانند درباره داروها به افراد مشاوره دهند و با این کار خط‌های اورژانس مشغول می‌شود اما اگر برق برود یا سیستم با مشکلاتی روبه‌رو شود پرستاران چه کار می‌کنند؟ خدمات‌رسانی اورژانسی هیچ‌گاه قطع نمی‌شود. پرستار جوانی توضیح می‌دهد اگر سیستم‌ها قطع شود کارکردن با سیستم آنالوگ انجام می‌شود. او لبخند می‌زند و توضیح می‌دهد که خدمات‌رسانی ادامه دارد. بعد مشغول کار می‌شود و مشخصات فردی را وارد سیستم می‌کند که مایع شوینده خورده است و خلط خونی دارد اما همکار کنار دستی‌اش از مشخصات فردی که موادمنفجره کنار پایش منفجر و دچار سوختگی شده است می‌پرسد.

دهقان: یکی از روزهای شلوغ ما روز چهارشنبه‌سوری است. زمانی که برخی بیماران هم از سوختگی رنج می‌برند و هم صدمات روحی زیادی به‌دلیل سوختن پوست بدن و صورت متحمل می‌شوند

ارجاع، راهنمایی، انتقال

داستان بعد از تماس با شماره ۱۱۵ اورژانس ادامه دارد. اگر فردی نیاز به مشاوره داشته باشد، پرستاران به او مشاوره می‌دهند. حجم زیادی از تماس‌ها برای مشاوره‌گرفتن است اما برخی هم نیاز به خدمات فوریت‌های پزشکی و انتقال آمبولانس دارند؛ بنابراین مشخصات و آدرس فرد نیازمند به خدمات اورژانس ارسال می‌شود تا ماموران اورژانس خودشان را به او برسانند. بخش انتقال راهوری متشکل از شش کاربر آقاست. تهران به شش بخش تقسیم شده است و هر اپراتوری هم وظیفه اعزام آمبولانس به یک منطقه را برعهده دارد. هرکدام از اپراتورها دو نمایشگر مقابل خود دارند. در یک مونیتور مشخصات آمبولانس و پایگاهی که به محل حادثه اعزام می‌شود و در یک مونیتور دیگر هم نقشه تهران پیداست. کاربر هر آدرسی را که متعلق به منطقه اوست وارد سیستم می‌کند و مکان دقیق را برای آمبولانس خالی پایگاه می‌فرستد. پیداکردن آدرس دقیق و مدیریت آمبولانس‌های هر پایگاه وظیفه اپراتورهاست. یکی از اپراتورها از سختی کارش می‌گوید. از این‌که در بسیاری از مواقع، آدرس‌های اشتباه به او داده می‌شود. او توضیح می‌دهد افرادی که در بحران قرار دارند نمی‌توانند مدیریت کنند و به دلیل استرس ممکن است آدرس را اشتباه بدهند. علاوه‌براین بسیاری از افراد نام قدیم معابر و خیابان‌ها را اعلام می‌کنند و همه این‌ها می‌تواند باعث اتلاف زمان و دیر فرستادن آمبولانس به محل حادثه شود. کاربر مرد دیگری در تلاش است تا آمبولانسی را به محل حادثه بفرستد. او می‌گوید همه آمبولانس‌هایی که به محل حادثه نزدیک است در ماموریت هستند. این کاربر باید از آمبولانس دیگر پایگاه‌های نزدیک استفاده کند. مهم این است که آمبولانس به محل حادثه اعزام تا خدمات اورژانسی ارائه شود.

الوپزشک؟

این‌طور نیست که تکنیسین‌های اورژانس هر فرد مصدومی را به هر مرکز درمانی و بیمارستانی که نزدیک حادثه است برسانند. در بسیاری از مواقع فرد حادثه‌دیده نیاز به خدمات ویژه قلبی و عروقی و گوارشی دارد یا این‌که دست یا پایش دچار شکستگی شده است؛ بنابراین نیاز است که او به بیمارستان‌ها و مراکزی رسانده شود که مخصوص ارائه آن خدمات است. حتی فرد باید به بیمارستان دولتی اعزام شود که با بیمه قرارداد دارد. به‌عنوان مثال فردی که مشکلات قلبی دارد باید به بیمارستانی منتقل شود که بخش کت‌لب (بخش قلب و عروق) دارد. ارائه این اطلاعات به عهده پزشکان متخصصی است که مقیم بخش دیسپچ هستند. راهنمایی به تکنیسین اورژانس برای استفاده دارویی و خدماتی هم از دیگر کارهای پزشکان متخصص است. یکی از پزشکان این بخش که متخصص قلب و عروق است، توضیح می‌دهد اگر شرایط بیماری حاد باشد و استفاده از دارو در همان لحظه نیاز باشد این پزشک متخصص است که باید با توجه به علائم و شرح حال بیمار دز دارویی را تعیین و تجویز کند که مریض حداقل تا زمانی که به بیمارستان منتقل می‌شود به خطر نیفتد. او ادامه می‌دهد تجویز دارو می‌تواند در شرایطی که خودش بیمار را معاینه نکرده به دلایلی سخت باشد.

آژیر آمبولانسی

در حیاط پایگاه یک آمبولانس و یک موتورآمبولانس قرار دارد. پایگاه خلوت است. مسؤول پذیرش این پایگاه اورژانس می‌گوید تکنیسین‌های پایگاه اورژانس درمانگاه صبارو در ده ونک به ماموریت رفته‌اند. آنها سر بالین خانمی میانسال رفته‌اند که از درد شدید قفسه سینه، کتف و چانه شکایت کرده است. زن سابقه مشکلات قلبی ـ عروقی دارد و احتمال سکته هم وجود داشته است. حدود یک ربع می‌گذرد تا آمبولانس به پایگاه برگردد. هنوز از ماشین پیاده نشده اما ماموریت دیگری به آنها محول می‌شود. مردی حدود ۶۰ ساله از درد شدید قفسه سینه و تنگی نفس شکایت دارد. حدود پنج روز از ابتلای مرد به بیماری کرونا می‌گذرد. آمبولانس به حرکت درمی‌آید. فریبرز جانی و محمد امین دهقان، تکنیسین‌های آمبولانس هستند. جانی شش سال و دهقان هم حدود ۱۵ سال است در اورژانس کار می‌کنند. امین دهقان از کارکنانی است که رکوردار انجام زایمان است. او در دوره خدمتش به حدود ۱۱ مادر باردار کمک کرده تا فرزند خود را به دنیا بیاورند. آمبولانس در خیابان‌های پرتردد و شلوغ تهران حرکت می‌کند و وارد بزرگراه همت می‌شود. جایی که آژیر یک‌صدا نواخته می‌شود اما راننده خودروهایی که در خط سرعت هستند به آژیر آمبولانس بی‌توجهند. در خط سرعت می‌رانند و به آمبولانس اجازه تردد نمی‌دهند. آژیر آمبولانس اما یک صدا نواخته می‌شود و راننده‌ها هم گوششان بدهکار نیست. اتفاقا ناراحتی این دو تکنیسین اورژانس هم همین است. این که خودروها بی‌توجه به آژیر آمبولانس در خط سرعت می‌رانند و اجازه تردد به آمبولانس که باید زودتر به محل حادثه برسد، نمی‌دهند. آمبولانس برای خودروی لوکس سیاهرنگی بوق می‌زند. چند خودروی جلوی او راه می‌دهند. خودروی خارجی چند میلیاردی اما اجازه تردد نمی‌دهد. دهقان می‌گوید اجازه عبور ندادن به آمبولانس یک مشکل است و ماجرای بعد از آن بدتر هم می‌شود. زمانی که خودرویی راه داده است، لب‌به‌لب کنار آمبولانس می‌راند تا بعد از عبور او دوباره به خط سرعت برگردد. تصادفات زیادی پشت آمبولانس اتفاق می‌افتد. بسیاری از خودروها حتی با آمبولانس تصادف می‌کنند، اتفاقی که خیلی هم شایع است. دهقان تعریف می‌کند در یکی از تصادفات آمبولانس نتوانست حرکت کند و آمبولانس دیگری برای رساندن بیمار به بیمارستان اعزام شد. با هر تصادف، آمبولانس از چرخه ارائه خدمات حذف می‌شود تا تعمیرات انجام گیرد. برای دهقان اما روزهای نزدیک چهارشنبه‌سوری سخت است. او می‌گوید یکی از روزهای شلوغ ما روز چهارشنبه‌سوری است. زمانی که برخی بیماران هم از سوختگی رنج می‌برند و هم صدمات روحی زیادی به‌دلیل سوختن پوست بدن و صورت متحمل می‌شوند. زمانی که از روز چهارشنبه‌سوری حرف می‌زند، صدایش ناراحت و غمگین و به نقطه‌ای خیره می‌شود. سرتکان می‌دهد و آه کشیدن تنها جملات بعدی‌اش هستند.

آمبولانس به محل حادثه می‌رسد. خانه ویلایی در میان ساختمان‌های بلند جایی در یک کوچه باریک بن‌بست در محله یوسف‌آباد پنهان شده است. جانی چند بار زنگ در را به صدا درمی‌آورد. پنج شش دقیقه‌ای زمان می‌برد تا در باز شود. او تعریف می‌کند در ماموریت‌هایش با افراد زیادی برخورد کرده افرادی که حتی در را روی او باز نکرده‌اند تا رسیدگی به بیمار انجام شود. در را پیرمرد چاقی بدون ماسک باز می‌کند. دهقان از او می‌خواهد ماسک به صورت بزند، پیرمرد اما می‌گوید با استفاده از ماسک تنگی نفس به سراغش می‌آید. خانه، قدیمی و فرسوده است. در گوشه اتاق، پیرزنی حدود ۹۰ ساله روی تخت نشسته است. یک ویلچر کنارش است. پیرمرد تعریف می‌کند هفته گذشته همراه دوستش به رستورانی رفت و پس از آن به بیماری کرونا مبتلا شد. تنگی نفس اما بعد از گذشت یک هفته سراغش آمد. مرد بعد از هر بار حرف زدن، نفس‌نفس می‌زند. اکسیژن خون مرد پایین و روی عدد ۵۸ است. هردو تکنیسین اورژانس تاکید می‌کنند باید همراه آنها به مرکز درمانی برود. مرد اما حاضر نیست مادر پیرش را رها کند. دهقان با او صحبت می‌کند که اگر برای درمان اقدام نکند، خطر در کمین مادرش هم خواهد بود. پیرمرد فکری می‌کند و بعد با خواهرش تماس می‌گیرد تا به خانه پدری بیاید و از مادر مراقبت کند. پیرزن مهربانانه به او لبخند می‌زند. پیرمرد برای مادرش دست تکان می‌دهد و می‌گوید: «زود برمی‌گردد.» مرد را روی برانکارد داخل آمبولانس می‌خوابانند و اکسیژن به او وصل می‌کنند. صدای آژیر دوباره به صدا درمی‌آید. آمبولانس تکان‌های شدیدی می‌خورد، ترمزهای شدید می‌گیرد و دوباره در ترافیک می‌ماند.

دهقان تعریف می‌کند شیوع ویروس کرونا در کشور تعداد ماموریت‌ها را افزایش داده است. به بالین فرد مبتلا به کرونا حاضر شدن زیاد هم آسان نیست. جانی و امین دهقان هر دو در ماموریت ۱۰ روز قبل به بیماری کرونا مبتلا شدند و بعد از بهبود، در محل کار حاضر شده‌اند. دهقان به صورت مستمر اکسیژن خون مرد را بررسی می‌کند. پیرمرد از سردرد و حالت تهوع شکایت می‌کند. بعد از دریافت اکسیژن، عدد اکسیژن خون در حال افزایش است. پیرمرد را به اورژانس یکی از بیمارستان‌ها می‌رسانند. تکنیسین‌های آمبولانس او را روی برانکارد می‌گذارند، کارهای پذیرش را انجام می‌دهند و بعد وی را به اتاق ایزوله انتقال می‌دهند تا پرستاران کارهای درمانی را شروع کنند. پیرمرد روی تخت اتاق ایزوله اورژانس جای می‌گیرد و به او اکسیژن وصل می‌کنند. پیرمرد زیر ماسک اکسیژن نگاه مهربانانه و تشکرآمیزش را بدرقه راه تکنیسین‌های اورژانس می‌کند. تکنیسین‌ها سوار آمبولانس می‌شوند. ماموریت‌های دیگری در راه است.

یک روز اورژانس تهران به روایت آمار

در روزهای شیوع کرونا آمارهای اورژانس تغییر کرده و تماس با اورژانس افزایش پیدا کرد. بسیاری از افراد برای مشاوره با ۱۱۵ تماس می‌گیرند و بسیاری دیگر هم برای کوچک‌ترین مشکل دست به تلفن می‌شوند. تعداد مزاحمت‌های تلفنی اما کاهش پیدا کرده است. در روزهای پایانی سال نیز که با خانه‌تکانی و چهارشنبه‌سوری مصادف است، تماس با ۱۱۵ افزایش پیدا می‌کند. این اطلاعات را هادی اردکانی، سرپرست اداره ارتباطات اورژانس تهران به ما می‌دهد.

میزان تماس در روز: ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تماس

بیشترین تماس در پیک ششم کرونا: ۹۰۰۰ تماس

تماس منجر به ماموریت در روز: ۲۶۰۰ تا ۳۱۰۰

مدت زمان انتظار برقراری ارتباط: ۷ ثانیه

مدت زمان مکالمه: ۱۲۰ ثانیه

تعداد مزاحم‌های تلفنی در روز: ۵۰۰ تا ۹۰۰ مزاحم

ساعات نسبتا خلوت اورژانس: ۲ و ۳ دقیقه صبح تا ۶ و ۳۰ دقیقه صبح